

## انواع ترک بر درمان از دیدگاه فقه اهل بیت علیهم السلام و فقه حنفی و حقوق افغانستان

□ عبدالوهاب روحانی \*

### چکیده

موضوع انواع ترک بر درمان از دیدگاه فقه اهل بیت علیهم السلام و فقه حنفی و حقوق افغانستان، یکی از مباحث حیاتی در مسئولیت کیفری جانی و پزشکی نسبت به درمان مجنی علیه و بیمار در حوزه حقوق و پزشکی است. این تحقیق به بررسی و تحلیل انواع مختلف ترک بر درمان، نظرات فقه اهل بیت علیهم السلام و فقه حنفی و تطابق آن‌ها با قوانین حقوقی افغانستان می‌پردازد. هدف اصلی این پژوهش، تبیین و روشن‌سازی اصول فقهی و قانونی مرتبط با ترک درمان و اثرات آن بر حقوق مجنی علیه و بیماران و مسئولیت‌های قانونی جانی، کادر درمان و بخصوص پزشکان است.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که مشهور فقهاء بر این باورند که جانی مسئولیت فوت مجنی علیه را بر عهده دارد، حتی اگر مجنی علیه قادر به درمان خود باشد اما اقدام به درمان نکند. این نظر به وضوح از گفته‌های آنان در متون فقهی برداشت می‌شود، که ترک مداوا و سرایت جراحت هردو باعث افزایش مسئولیت پزشک و جانی می‌گردند.

نوع نگارش این تحقیق، کتابخانه‌ای و تحلیلی - توصیفی است و بر اساس منابع معتبر فقه اهل بیت علیهم السلام و فقه حنفی و حقوق افغانستان شکل گرفته است. این تحقیق نه تنها لزوم اقدامات پزشکی ضروری را برجسته می‌کند، بلکه تأکید می‌ورزد که عدم انجام این اقدامات می‌تواند عواقب کیفری و مدنی را به دنبال داشته باشد. لذا، مسئولیت‌پذیری افراد در قبال سلامت یکدیگر و اهمیت مداومت در مراقبت پزشکی از جمله نکات محوری این پوهش به شمار می‌آید.

کلیدواژه‌ها: ترک، درمان، فقه و حقوق.

## مقدمه

ترک درمان، چه از ناحیه جانی و چه از ناحیه پزشک و کادر درمانی، به معنای عدم ارائه خدمات پزشکی به مجنی علیه و بیمار است که می تواند مسئولیت کیفری و مدنی سنگینی به دنبال داشته باشد. این موضوع در فقه اهل بیت علیهم السلام و فقه حقوق افغانستان از اهمیت ویژه ای برخوردار است، چرا که حیات و سلامت انسان ها در این دو سیستم توصیه شده و مورد تأکید قرار گرفته است.

در متون دینی و اسلام به پیشینه اهمیت والای بهداشت و پزشکی در آموزه های اسلامی اشاره می کند و بر جایگاه رفیع «علم الأبدان» در کنار «علم الأديان» تأکید دارد. روایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مبنی بر تقدم علم طب بر علم دین، اهمیت فوق العاده این رشته را در اسلام نشان می دهد، (کلینی، ج ۴، ص ۲۴۵).<sup>۱</sup>

نکته قابل توجه، تأکید شریعت بر مسئولیت کیفری پزشکان جاهل است. روایات متعدد، پزشکانی که بدون دانش و تخصص به طبابت می پردازند و باعث آسیب به بیمار می شوند را ضامن می داند. (شیخ طوسی، ج ۶، ص ۳۱۹)<sup>۲</sup> این مسئولیت، در صورت فوت یا نقص عضو بیمار، به پرداخت دیه و حتی قصاص در صورت عمد، می انجامد. علاوه بر این، فقه اسلامی حتی ترک درمان توسط کسی که قادر به انجام آن است و منجر به فوت مجنی علیه می شود نیز جرم دانسته و جانی را مسئول می داند.

بنابراین، می توان نتیجه گرفت که فقه اسلامی و حقوق موضوعه افغانستان به طور جدی به مسئولیت های اخلاقی و حقوقی پزشکان توجه کرده و برای حفاظت از جان و سلامت بیماران، مقررات جزائی ویژه ای را در نظر گرفته است. این مقررات، نشان دهنده اهمیت علمی و اخلاقی طبابت در چشم انداز اسلام و حقوق می باشد و بر لزوم دانش و تخصص در این حوزه تأکید دارد. عدم رعایت این مقررات پیامدهای حقوقی و کیفری به دنبال خواهد داشت.

## مبحث اول: مفاهیم شناسی ترک درمان

### الف) واژه ترک در لغت:

۱. در لغت نیز به معنای وا گذاشتن و رها نمودن آمده است: «التَّركُ: التَّخْلِيَةُ، يقال: تَرَكَ الشيءَ، إذا خلاه»، وقت گفته می شود چه چیزی را ترک کردی، یعنی او را رها نموده و وا گذاشتی.

۲. به معنای کوچ نمودن، جدایی و مفارقت نیز آمده است: «تَرَكَتُ: الْمَنْزِلَ (تَرَكَاً) رَحَلْتُ عنه و (تَرَكَتُ) الرَّجُلَ فَأَرْقُتُهُ» (فیومی، ج ۲، ص ۷۴).

۳. ترک به معنای اسقاط نیز آمده است:

المتاركة، لغة: الرحيل و المفارقة مطلقاً، ثم استعملت للإسقاط في المعاني، يقال: «ترك حقه»: إذا أسقطه. (محمود عبدالرحمان، ج ۳، ص ۲۰۷).

در کل می توان گفت که ترک به همان معنای وا گذاشتن و رها نمودن بیشتر استعمال شده و به کار رفته است، و آن چه ما هم در صدد بیان آن هستیم مراد از واژه ترک همان رها نموده امر و کاری است که شخصی بر اساس قانون و شرع عهده دار آن بوده است.

۲. واژه درمان: درمان در علم پزشکی \_ مجموعه روش ها و فعالیت ها برای رفع بیماری و اصلاح اختلالات بدن است. به معنای مداوا کردن، علاج؛ معالجه، آمده است. (انوری، ج ۴، ص ۳۰۴۸).

درمان: (د) (۱). علاج ودوا ودارو، (شرف نامه منیری) چاره، آنچه دَرَد را بُرَداید، چاره بیماری کند. (دهخدا، ص ۴۶۹).

### ب) مفهوم اصطلاح درمان

درمان به کلیه اقدامات اطلاق می شود که در شرایط بعد از ابتلای به بیماری جسمانی یا روانی، به منظور اعاده سلامت سابق و از بین بردن عوامل مؤثر بر کاهش متوسط عمر بشر، با فراهم نمودن امکانات افزایش طول عمر انسان انجام می گیرد. (صالحی، ص ۶۱).

## مبحث دوم: انواع ترک درمان به اعتبار سبب فعل ایجابی

### ۱. انواع ترک درمان به اعتبار سبب فعل ایجابی در فقه اهل بیت (علیهم السلام)

ترک درمان به اعتبار سبب فعل ایجابی به دو صورت قابل تصور است.

#### ۱-۱. فعل ایجابی و ترک فعل (ترک درمان) توسط یک نفر انجام شده باشد

مثل این که کسی به دیگری چاقو بزند، (شخص جانی) از رساندن مجروح به بیمارستان خودداری ورزد و او در اثر جراحت وارده بمیرد. یا کسی دیگری را حبس نماید و از اطعام او امتناع ورزد و او به دلیل گرسنگی جان دهد. بعضی از فقها ترک درمان مسبوق به فعل (چاقوزدن و حبس نمودن شیرندان طفل) را که توسط یک نفر انجام شده باشد از جمله مصادیق جرم فعل ناشی از ترك فعل به حساب آورده اند (لنکرانی، بی تا، ج ۱، ص ۳۷-۳۳)، نه جرم فعل ایجابی، که این درست به نظر نمی رسد؛ زیرا در این گونه موارد مرگ از نظر عرف، مستند به مقتضی، یعنی فعل (ایجابی)، است نه ترك آن؛ چون تأثیر مقتضی قوی تر از امتناع می باشد و به همین دلیل، مورد از مصادیق جرم فعل است نه ترك فعل.

مرحوم شیخ طوسی یکی از قدما و فقهای نامدار شیعه در کتاب المبسوط این گونه می فرماید: اگر جانی جراحت را وارد کند و مجنی علیه هم مداوای بر جان خودش را ترک کند تا این که بمیرد جانی ضامن است. «لو جرّحه فترك المجروح مداواة نفسه حتى مات فإنه ضامن» (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ ه.ش، ج ۷، ص ۱۸ و محقق اردبیلی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۱۳، ص ۳۸۴).

سید محمد حسین، ترحینی عاملی، در کتاب الذبذة الفقهیه در شرح روضه می فرماید، ترک نمودن جانی تداوی مجنی علیه را از روی تقصیر، علماء حکم به قصاص جانی کرده است، چون قتل عمد صدق می کند «وترك التداوی تقصیرا فحكموا علی الجانی القود أيضا لصدق القتل عمدا» (ترحینی عاملی، ۱۴۲۷ ه.ق، ج ۹، ص ۴۱۵).

مرحوم شیخ طوسی (رحمه الله) در مورد که جانی، مجنی علیه را در آتش بیندازد و مجنی علیه باوجود آن که قدرت بر خروج از آتش را دارد ولی خارج نمی شود، در این صورت بازهم مسؤولیت متوجه جانی است، «لأنه هو الجانی یالقائه فی النار و ترك التخلص مع القدرة لا یسقط الضمان عن الجانی» (شیخ طوسی، همان، ج ۷، ص ۱۸).

هرگاه جانی، جراحتی بر مجنی علیه وارد سازد و برای مجنی علیه نیز امکان درمان و مداوا، وجود داشته باشد؛ ولی با این حال اقدام برای درمان خود به عمل نیاورد تا این که فوت نماید در این صورت به نظر مشهور فقها، جانی ضامن نفس مجنی علیه خواهد بود، علامه حلی در تحریر الاحکام می فرماید: «کما لو جرحه، و ترک معالجة الجرح فمات، لأن السراية من الجرح المضمون، لا من ترك المداواة.» (علامه حلی، ج ۵، ۱۴۲۰ هـ، ص ۴۲۳). (علامه حلی، ۱۴۲۰ هـ، ج ۵، ص ۴۲۰).<sup>۳</sup>

شهید ثانی نیز در شرح لمعه و مسالک، جانی را مسئول جنایتی که بر مجنی علیه وارد ساخته است می داند، اگرچه مجنی علیه قادر بر درمانش بوده ولی درمان نکرده است. «أو جرحه عمداً فسرى الجرح عليه و مات و إن أمكنه المداواة لأن السراية مع تركها من الجرح المضمون.» (شهید ثانی، ۱۴۱۰ هـ، ج ۱۰، ص ۲۱ و مسالک، ج ۱۵، ص ۷۳).<sup>۴</sup>

محقق حلی در شرایع نیز همین نظر را دارد: «لو جرح فترك المداواة فمات لأن السراية مع ترك المداواة من الجرح المضمون.» «اگر کسی مداوای کسی را ترک کند و آن جراحات سرایت کند، ترک کننده ضامن است.» (محقق حلی، ۱۴۰۸ هـ، ج ۴، ص ۱۸۲).  
فاضل هندی، نیز می فرماید: اگر جانی دیگری مجروح کند و مجنی علیه درمانش را ترک کند و در اثر این ترک او فوت نماید جانی ضامن است، به این دلیل که سرایت با ترک درمان باهم ضمانش بر جراح است. «ولو جرحه فترك المداواة فمات ضمنه، لأن السراية مع ترك المداواة من الجرح المضمون على الجراح» (فاضل هندی، ۱۴۱۶ هـ، ج ۱۱، ص ۲۱).

مطالب فوق مسئولیت جانی و پزشکی در ترک مداوا و پیامدهای آن را از دیدگاه فقهاء همانند، شیخ طوسی، فاضل لنکرانی، علامه حلی، شهید ثانی، محقق حلی، فاضل هندی، بیان می کند: این عبارات به معنای آن است که جانی و پزشک یا هر فردی که وظیفه مراقبت پزشکی از دیگری را بر عهده دارد، در صورت ترک مداوا و در پی آن، گسترش عفونت یا مرگ بیمار، مسئولیت قانونی و شرعی جبران خسارت را بر عهده می گیرد.

هدف از آن نیزن تأکید بر اهمیت مداومت در مراقبت پزشکی و مسئولیت پذیری افراد در قبال سلامت دیگران است. این حکم، لزوم اقدامات پزشکی ضروری و به موقع را برجسته

کرده و عدم انجام آن را موجب مسئولیت کیفری و مدنی می‌داند.<sup>۵</sup>

## ۲-۱. فعل ایجابی و ترک فعل (درمان) توسط دو نفر انجام شود:

### الف) از دیدگاه فقه اهل بیت (علیهم‌السلام)

مانند این که پزشکی از معالجه شخصی در حال مرگ که توسط دیگری مجروح شده است، خودداری ورزد (و او را درمان نکند). در این موارد، قتل مستند به فعل فاعل است، نه امتناع (تارک درمان)، هرچند قصد و آرزوی قتل آنها را داشته و انجام عمل نجات‌بخش بر او واجب باشد. حتی نمی‌توان تارک را شریک در قتل دانست، چه رسد به اینکه مستقلاً قتل مستند به او باشد. (محمود نجیب حسنی، ص ۳۱۲، همان، صص ۲۷۴، ۲۷۵) اما پزشک از باب ترک حفظ نفس محترمه که بر او واجب است قابل تعزیر است، سؤال: اگر بیماری را به یکی از مراکز درمانی ببرند و آن مرکز به علت عدم توان بیمار نسبت به مخارج درمان از پذیرفتن او امتناع کند و مریض بمیرد، ضمان دیه او به عهده کیست؟

جواب: هر کس موظف به معالجه بوده و امتناع نموده معصیت کار است ولی ضمان ثابت نیست، بلی اگر پزشک جهت معالجه بیماران از دولت حقوق بگیرد و بر خلاف وظیفه مقرر خود از معالجه امتناع ورزد و ترک معالجه وی منجر به فوت مریض شود، ضمان او بعید نیست. (منتظری، نجف آبادی، صص ۸۱-۸۲).

عدم ایجاد مانع باعث سلب استناد جنایت از مقتضی آن نمی‌شود، این عبارت بیانگر قاعده فقهی «عدم جواز عذر» در باب ضمانات است. این قاعده به این معناست که اگر کسی مرتکب عملی شود که موجب ضرر به دیگری گردد، صرف عدم وجود مانع از سوی زیان‌دیده، او را از مسئولیت و ضمان (پرداخت خسارت) معاف نمی‌کند.

بنابراین قاعده نشان می‌دهد که مسئولیت مدنی و کیفری فرد مرتکب جرم، به وجود یا عدم وجود مانع از سوی مجنی علیه وابسته نیست. به عبارت دیگر، اگر شخصی عملی مجرمانه انجام دهد که سبب ضرر به دیگری شود، حتی اگر شخص زیان‌دیده می‌توانست از وقوع ضرر جلوگیری کند، اما این کار را انجام نداد، مسئولیت فرد مرتکب جرم از بین نمی‌رود. این قاعده

به اصل مسئولیت شخصی و قابلیت استناد جنایت به مقتضی آن تاکید دارد. عدم ایجاد مانع از سوی مجنی علیه، نوعی اقدام یا عدم اقدام از سوی او است که می تواند عامل تشدید یا تخفیف در مجازات یا میزان خسارت باشد، اما سلب مسئولیت را به دنبال ندارد. بنابراین، قاعده مذکور، به لحاظ حقوقی، مبنی بر اصول مسئولیت مدنی و کیفری و لزوم جبران خسارت است و هرگونه عمل یا عدم عمل از جانب مجنی علیه نمی تواند فرد مسبب ضرر را از مسئولیت معاف کند.<sup>۶</sup>

### ب) از دیدگاه فقه حنفی

فقه های اسلامی به اتفاق آرا عقیده دارند که جرم ایجابی به طریق سلبی (ترک فعل) واقع می شود و اگر به این صورت واقع شود، فاعل جرم سزاوار کیفر است. پس اگر کسی انسانی را حبس کند و او را از خوردن و آشامیدن یا گرما یا در شب های سرد باز دارد تا آن که از گرسنگی یا تشنگی یا سرما بمیرد، اگر قصد قتل او را داشته باشد قاتل عمدی محسوب می شود، و این عقیده مالک (ابن قدامه مقدسی، ج ۴، ص ۲۱۵)، شافعی، (ملی محمد بن احمد، ج ۷، ص ۲۳۷) و احمد. (عبدالله بن احمد بن قدامه، ج ۷، ص ۳۲۷) اما ابوحنیفه (ابوبکر بن مسعود الکاسانی، ج ۷، ص ۲۳۴، زین الدین ابن نجیم، ج ۸، ص ۲۹۵)، چنین فعل را قتل نمی شمارد؛ چون به عقیده او مرگ در گرسنگی، تشنگی یا سرما حاصل شده است نه در اثر حبس و در برابر گرسنگی، تشنگی و سرما از کسی کاری ساخته نیست. (عبدالقادر عوده با تعلیقه سید اسماعیل صدر، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۱۶).

بنا بر این باز داشتن انسان از خوردن نوشیدن و گرما به هنگام استیلای گرسنگی، تشنگی و سرما براو، به معنای هلاک کردن اوست و مادری که فرزندش را به قصد قتل از شیر دادن منع می کند قاتل عمدی محسوب می شود، هر چند که عمل ایجابی انجام نداده است (ابن قدامه، ج ۴، ص ۲۱۵). یا اگر چند زن در هنگام ولادت حاضر باشند و یکی از آنها بند ناف را ببرد و پس از بریدن از روی عمد آن را نبندد و نوزاد به سبب آن بمیرد، آن زن قاتل عمدی طفل است و می توان سایر زنهای حاضر را در صورتی که عقیده به بستن آن نداشته اند نیز قاتل عمدی محسوب کرد، چون قطع بند ناف به خودی خود کشنده نیست بلکه بستن آن کشنده است، چون همگی از روی عمد آن را نبسته اند کشتن طفل به عمل همگی منسوب است. (ابن حجر، ج ۴، صص ۲۲۰-۲۲۱).

## مبحث سوم: انواع ترک درمان به اعتبار وجود وظیفه درمان

انواع ترک درمان به اعتبار وجود وظیفه بر درمان به سه صورت قابل تصور است:

الف) ترک درمان به اعتبار جود وظیفه قانونی. ب) ترک درمان به اعتبار وجود وظیفه قراردادی. ج) ترک درمان به اعتبار وجود وظیفه شرعی.

### الف) ترک درمان به اعتبار وجود وظیفه قانونی

قانون جزای افغانستان در ماده ۴۰۰ خود تاکید می‌کند: اگر خطا در نتیجه تخلف جسیم (شدید) از اصولی (آنچه را قانون معین نموده) صورت بگیرد که وظیفه، (قانونی) پیشه یا حرفه (مانند پزشکی) بر او لازم گردانیده و یا خطا در وقت ارتکاب ناشی از استعمال مواد مخدره یا مسکره باشد و یا هنگام وقوع حادثه از مساعدت به مجنی علیه با وجود قدرت به آن امتناع ورزد مرتکب به حبس متوسط که از دو سال کمتر و جزای نقدی که از پنجاه هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد.

قسمت اخیر این ماده که می‌فرماید: اگر به موجب خطا هنگام وقوع حادثه از مساعدت به مجنی علیه با وجود قدرت به آن امتناع ورزد، ممکن است حادثه، حادثه تصادم دو ماشین باهم، یا آتش سوزی یا غرق شدن در آب، یا ترک درمان، و موارد دیگری از این قبیل باشد، اگر قدرت بر مساعدت داشته باشد و ترک مساعدت و همکاری نماید مرتکب آن، به مسئولیت کیفری حبس متوسط و جزای نقدی که از ۵۰ هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد. می‌توان از این ماده القای خصوصیت نمود و آن را مورد شامل پزشکی و سایر افراد که قدرت بر درمان بیمار دارد ولی از معالجه آن امتناع ورزد نیز دانست.

قانون جزاء واجرا آت جزایی، افغانستان در ماده ۳۱۹، را جمع به طیب جراح یا قابله‌ای که با وجود علم به تزویر خودشان، تصدیق یا اظهارات مزورانه‌ای را در مورد، حمل، معلولیت، عیب و یا وفات، به شخص بدهد، در اثر ترک وظیفه‌ای قانونی و مقررات نظام پزشکی، کار خلاف مقررات دولتی انجام دهد دارای مسئولیت کیفری می‌داند، که به حبس متوسط و جزای نقدی که از (دوازده هزار) افغانی کم تر و از شصت هزار افغانی بیشتر نباشد، محکوم می‌گردد.



## ب) ترک درمان به اعتبار وجود وظیفه قراردادی

اگر کسی در قبال دیگری وظیفه برای درمان داشته باشد و به وظیفه اش عمل نکند از نظر فقها در صورت ترک درمان دارای مسؤولیت کیفری می باشد.

یکی از مراجع معاصر در مورد مسؤولیت طبیب یا نجات غریق اظهار می دارد «چنانچه طبیب و یا نجات غریق تعهدی (قراردادی) برای مداوای مریض و نجات شناگر داشته باشند، که مریض یا شناگر یا اولیای آنها با اعتماد به این تعهد به آن در مانگاه و طبیب مراجعه یا مشغول شنا شده باشند و در صورتی که راه نجات در آن زمان منحصر به درمان طبیب و اقدام نجات غریق باشد و طبیب و نجات غریق با اطلاع و تمکّن اقدام نکنند و مریض و شناگر فوت کنند، این دو ضامن هستند.» (اردبیلی، استفتائات قضایی، ۲۶، ۱۳۹۰، ص ۲۶).

ق. ج. افغانستان نیز در ماده (۳۵۵) مؤید این مطلب است، و می فرماید: در مورد افراد که به حکم قانون یا بر اساس قراردادی در جهت محافظت افراد مانند صغیر، افراد کهن سال یا افراد که دارای معلولیت صحتی و روحی یا عقلی هستند، بدون عذر معقول از ادای وظیفه خود امتناع ورزد دارای مسؤولیت کیفری می باشد.

## ج) ترک درمان به اعتبار وجود وظیفه شرعی

### ۱) از دیدگاه فقه اهل بیت علیهم السلام

این فرض است که افراد اصلاً جنایت را مرتکب نشده مانند پزشک که مریضی را نزد او می برد ولی او با وجود آن که قدرت بر درمان آن دارد ولی او را درمان نمی کند یا سایر افراد شخص را در معرض خطر می بیند یا نجات غریق شخص را در معرض غرق شدن می بیند و نجات نمی دهند آیا در این صورت شرعاً وظیفه بر درمان دارد؟ اگر درمان را یا نجات شخص در معرض خطر را ترک کرد شرعاً مسؤولیت کیفری در قبال ترک درمان و تلف شخص مورد نظر دارد یا نه؟ یکی از مراجع، معاصر در سوال و جوابی که به شرح ذیل شده که دلالت بر عدم ثبوت قصاص و دیه بر تارک فعل دارد: «سؤال: اگر پزشک به قصد کشته شدن و مردن مریض یا مصدوم وی را معالجه نکند آیا قاتل محسوب می شود و نسبت به قصاص یا دیه ضامن است؟

نیز مادری که بچه را به قصد کشتن شیر نمی دهد آیا قاتل است، و چه نوع قتلی انجام داده است؟ همچنین پدری که مشاهده می کند عقرب یا ماری به سمت فرزند خرد سالش در حال حرکت است ولی مار یا عقرب را نمی گیرد و بچه در اثر نیش زدن حیوان می میرد، آیا پدر قاتل محسوب می شود؟»

«جواب: در فرض مذکور حرمت تکلیفی مسلم است و معصیت بزرگی مرتکب شده اند، ولیکن موجب قصاص و دیه نیست.» (مدنی تبریزی، ۱۴۲۶، صص ۲۲۱-۲۲۰، استفتائات قضایی، ش ۲۶، ۱۳۹۰، صص ۵۸-۲۷).

صاحب جواهر نیز نظر شان این است که صاحب طعام از اطعام مضطر، که از او طلب غذا کرده، خود داری کند تا وی هلاک شود او ضامن نخواهد بود (نجفی، ج ۴۲ ص ۱۵۳). نجفی، ج ۴۳، ص ۱۵۳.

(ترک فعل ممکن است در قالب، ترک درمان باشد، یا چیز دیگری)، صاحب جواهر ترک فعل را ضمان آور نمی داند، او در کتاب شهادت جواهر الکلام، ناظر به سخن علامه در مسئله ترک ادای شهادت می نویسد کتمان شهادت ضمان آور نیست گرچه شاهد مرتکب گناه شده است. (نجفی، ج ۴۱، ص ۲۵۳). او در کتاب دیات جواهر با ارائه ضابطه ای کلی می نویسد: «بل التروک جمیعاً لایترتب علیها ضمان اذا کان علة التلف غیرها» (نجفی، ۴۳، ص ۱۵۳)، البته در این جهت نظرات فقها متفاوت است که از باب ترک و اجب و حفظ نفس محترمه تارک را داری تعزیر می داند.

## ۲) از دیدگاه فقه حنفی

فقه حنفی تارک قعل را مسؤول نمی داند مثلاً در صورت حبس انسان و منع وی از آب و غذا حبس کننده را ضامن نمی داند، زیرا معتقد است در چنین حالتی مرگ حاصله ناشی از تشنگی و گرسنگی بوده است، و نه ناشی از حبس شدن قربانی توسط شخص حبس کننده، و به عبارت دیگر و در اینجا رابطه سببیت را موجود نمی بیند (احمد فتحی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۰).

## مبحث چهارم: انواع ترک درمان به اعتبار انواع ترک فعل

### الف) تمایز جرم ترک فعل و جرم فعل

در ابتدا لازم است قبل از پرداختن به انواع ترک درمان به اعتبار انواع ترک فعل این دو نوع جرم را با یکدیگر مقایسه نماییم تا ماهیت و وجوه اختلافشان به خوبی روشن شود. به طور کلی، می‌توان گفت: تمایز اساسی این دو نوع جرم در سه امر ظاهر می‌شود:

۱. جرم فعل همان گونه که از عنوانش پیداست، رفتار مجرمانه ایجابی و مثبت است. مجرم با عمل خودش باعث نوعی تغییر و دگرگونی در محدوده خاصی از عالم خارج می‌گردد. مثلاً، کسی را با آلت قتاله می‌کشد و یا مال دیگری را می‌رباید. ولی جرم ترک فعل، رفتار مجرمانه منفی است؛ یعنی مجرم از انجام وظیفه قانونی خویش خودداری می‌کند.

۲. جرم فعل در مواردی تحقق پیدا می‌کند که قانونگذار از انجام عملی نهی کرده باشد؛ از این رو، در صورت مخالفت و ارتکاب، این جرم به وقوع می‌پیوندد. ولی جرم ترک فعل در صورتی واقع می‌شود که قانونگذار افراد جامعه را به انجام کاری ملزم کرده باشد و امتناع آنان از امتثال آن تکلیف، موجب وقوع جرم ترک فعلی می‌گردد، (ابوعامر، ۱۹۹۶م، صص ۱۴۳، ۱۴۴).

۳. مبنای جرم‌انگاری در جرایم ایجابی، عدم اضرار به منافع و مصالح فردی و اجتماعی است؛ (اباذری فومشی، ۱۳۷۹، ص ۲۲) یعنی عقل و منطق حکم می‌کند که افراد از دست زدن به اعمالی منع شوند که به حیات، تمامیت جسمانی، مال و حیثیت افراد ضرر و آسیب می‌رساند و نظم و امنیت اجتماعی را در معرض اختلال و نابودی قرار می‌دهد. تمام قانون‌گذاران و ادیان و مذاهب درصدد کشف و شناسایی این گونه اعمال هستند تا آنها را به عنوان رفتار مجرمانه و قابل مجازات برای جامعه معرفی کنند.

مکاتب مادی منحصرأ ضرر به مصالح مادی افراد و جامعه را به عنوان ملاک و مبنای وضع این نوع جرایم مدنظر قرار می‌دهند، ولی اسلام علاوه بر مصالح مادی، مصالح معنوی را نیز ملاک و مبنای وضع این گونه جرایم مورد توجه قرار داده است. مبنای ملاک جرم‌انگاری در جرایم ترک فعل محض، در اغلب موارد نیکی به دیگران و ایجاد حس تعاون و همکاری در میان افراد جامعه است؛ (محمد باهری و دیگران، ۱۳۸۰ه‌ش، ص ۲۰۴) حال آنکه مبنای جرم‌انگاری

در جرایم فعل ناشی از ترك فعل، علاوه بر هدف تقویت حس تعاون و همکاری، عدم اضرار به حیات و تمامیت جسمانی افراد است.

در مجموع، تفاوت اصلی در ماهیت عمل مجرمانه است: عمل مثبت در جرم فعل و عدم عمل در جرم ترك فعل. این تفاوت در مبنای جرم‌انگاری و نیز در ملاحظات اخلاقی و دینی مورد توجه قانونگذار منعکس می‌شود. در جرایم فعل، تمرکز بر جلوگیری از ضرر است، در حالی که در جرایم ترك فعل، تاکید بر انجام وظایف اجتماعی و ایجاد همکاری و تعاون بیشتر می‌باشد. این تفاوت‌ها در تعریف، عناصر تشکیل دهنده جرم و نیز مجازات‌ها قابل مشاهده است.

قانون جزای افغانستان، همچون بسیاری از نظام‌های حقوقی جهان، برای تحقق یک جرم، وجود سه عنصر اساسی را ضروری می‌داند: عنصر قانونی، عنصر مادی و عنصر معنوی. عدم وجود حتی یکی از این سه عنصر، مانع از تحقق جرم و مجازات مرتکب خواهد شد.

عنصر قانونی جرم، به وجود قانون مجرم‌سازی‌کننده‌ای اشاره دارد که رفتار مورد نظر را به عنوان جرم تعریف و مجازات آن را تعیین می‌کند. بدون وجود چنین قانونی، عمل ارتكابی، هرچند ظاهراً خلاف اخلاق یا عرف باشد، از دیدگاه حقوقی جرم محسوب نمی‌شود. در ماده ۳۲ کد جزای افغانستان مقرر می‌دارد که مفهوم عنصر قانونی جرم عبارت است:

«(۱). عنصر قانونی جرم عبارت از تصریح عمل جرمی و جزای معین آن در این قانون می‌باشد.

(۲). اصل قانونیت جرم و جزاء در ماده ۷ این قانون تصریح گردیده است.»

و عنصر مادی جرم، به خود عمل مجرمانه و عینی آن اشاره دارد. این عنصر شامل رفتار، نتیجه‌ی آن رفتار و رابطه‌ی علیت بین رفتار و نتیجه‌ی آن است. به عنوان مثال، در قتل، عنصر مادی شامل ضربه‌ای است که به قربانی وارد شده و منجر به مرگ وی شده است.

مفهوم عنصر مادی جرم را ماده ۳۳ کد جزای افغانستان تبیین می‌کند که عبارت است:

«عنصر مادی جرم عبارت است از ارتكاب عمل مخالف قانون یا امتناع از اجرای عملی که قانون به آن حکم نموده است به نحوی که ارتكاب یا امتناع منجر به نتیجه جرمی گردیده و رابطه سببیت میان عمل و نتیجه موجود باشد.»

عنصر معنوی جرم یا عنصر روانی، به حالت ذهنی و نیت مجرم در هنگام ارتكاب جرم

اشاره دارد. این عنصر شامل قصد، علم، غفلت یا بی احتیاطی مجرم است. در اکثر جرایم، وجود قصد مجرم برای ارتکاب جرم، شرط تحقق آن است.

در ماده ۳۸ کد جزای افغانستان، مفهوم عنصر معنوی جرم را چنین تبیین نموده است: «عنصر معنوی جرم عبارت است از قصد جرمی، علم و آگاهی به جرم و نتیجه آن یا خطای جرمی.»

بنابراین، تحقق هر جرم در نظام حقوقی افغانستان منوط به هم‌ارزی و وجود همزمان این سه عنصر- قانونی، مادی و معنوی- می‌باشد. غیرممکن است جرمی بدون تحقق هر سه این عناصر محقق شود. کمبود حتی یکی از این اجزاء، منجر به نقض اصل قانونی بودن جرم و مجازات و عدم مجازات مرتکب خواهد شد.

قانون جزاء و اجراءات پیشین افغانستان در تعریف عناصر جرم، اعم از جرم با فعل مثبت و منفی سه چیز را در تحقق عنصر مادی جرم مهم می‌داند.

۱. جانی یا مرتکب، عمل و فعل او اعم از فعل ارتكابی ایجابی یا امتناعی (ترک فعل) مخالف مقررات قانونی باشد.

۲. این عمل اعم از فعل ایجابی یا امتناعی منجر به نتیجه و تحقق جرم گردد.

۳. رابطه سببیت بین فعل ایجابی مرتکب (جانی) یا امتناعی او و نتیجه به وجود آمده از این جرم وجود داشته باشد.

ماده ۲۷، قانون جزای افغانستان، «عنصر مادی جرم عبارت از ارتکاب یا امتناع از عمل مخالف قانون است بنحویکه عمل منجر به نتیجه جرمی گردیده و رابطه سببیت بین عمل و نتیجه موجود شده باشد.»

لذا در ماده ۲۸ تصریح می‌کند «شخص از جرم که نتیجه عمل جرمی او نباشد مسئول شناخته نمی‌شود.»

باید رابط استناد بین عامل جرم و جرم و نتیجه به وجود آمده از آن وجود داشته باشد.

## ب) انواع جرایم ترک فعل

این دسته از جرایم بر دو نوع اند:

### ۱. ترک فعل محض (مطلق)

ترك فعل محض عبارت است از امتناع از انجام فعل مثبت که قانونگذار امتثال آن را بر مکلف واجب کرده است. از این تعریف چنین استنباط می‌شود که عناصر تشکیل‌دهنده این جرم دو چیز است: یکی، خودداری از انجام فعل مثبت و دیگری، الزام انجام آن از طرف قانونگذار که رکن مادی این جرم را امتناع صرف از اجرای دستور قانونگذار و انجام تکلیف قانونی تشکیل می‌دهد و نیاز به نتیجه ندارد و اگر نتیجه‌ای در پی داشته باشد، اهمیت ندارد؛ چراکه خارج از عنصر مادی جرم است و تارك سبب تحقق نتیجه مجرمانه نیست. از این رو، در قبال آن مسئولیت کیفری ندارد. مجازات به خاطر نفس امتناع می‌باشد محمد (زکی ابوعامر، ۱۴۵). این نوع امتناع می‌تواند عمدی باشد که در این صورت، جرم ترك فعل عمدی تحقق پیدا می‌کند و یا غیرعمدی باشد که ماحصل آن، جرم غیر عمدی است.

ماده ۲۸۲ ق جزاء و اجراءات، افغانستان: هرگاه موظف خدمات عامه بمقصد رسانیدن نفع یا ضرر بیکی از طرفین دعوی نزد قاضی یا محکمه به صیغه امر یا التماس یا خواهش و یا سفارش واسطه شود، به حبس قصیری که از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد، محکوم می‌گردد.

قانون جزاء و اجراءات افغانستان به صراحت بیان می‌کند که اگر قاضی بدون مجوز قانونی از صدور فیصله یا حکم امتناع بورزد، مسئولیت کیفری مثل زندان و انفصال از خدمت را برای او در پی خواهد داشت.

ماده ۲۸۳ ق، جزاء و اجراءات افغانستان، هرگاه قاضی بدون مجوز قانونی از اصدار فیصله و حکم امتناع ورزد و یا ثابت گردد که بنا به یکی از اسباب مندرج ماده (۲۸۲) این قانون فیصله ناحق صادر نموده است، حسب احوال به حبس متوسط و طرد از مسلك محکوم می‌گردد. در ماده ۳۵۵ قانون جزای افغانستان در مورد افراد که به حکم قانون یا بر اساس قراردادی در

جهت محافظت افراد مانند صغیر، افراد کهن سال یا افراد که دارای معلولیت صحتی و روحی یا عقلی هستند، بدون عذر معقول از ادای وظیفه خود امتناع ورزد دارای مسئولیت کیفری می باشد. ماده ۳۵۵ ق ج افغانستان «شخصی که بحکم قانون یا موافقه به محافظت شخصی که به سبب صغر سن یا شیخوخیت یا حالت صحتی یا روحی و یا عقلی عاجز باشد مکلف شناخته شود، بدون عذر معقول از ادای وجیه خود امتناع ورزد، به حبس قصیر و جزای نقدی ای که از دوازده هزار افغانی تجاوز نکند و یا بیکی از این دو جزا محکوم می گردد.»

مسئولیت کیفری ترک فعل در محافظت از افراد آسیب پذیر بر اساس ماده ۳۵۵ قانون جزای افغانستان، این ماده از قانون جزا مسئولیت کیفری را برای اشخاصی که بر اساس قانون یا قرارداد موظف به حفاظت از افراد صغیر، کهنسال، یا دارای معلولیت جسمی، روحی یا عقلی هستند و بدون عذر موجه از انجام وظیفه خود امتناع می ورزند، پیش بینی کرده است. این ماده، ترک فعل در چارچوب یک تکلیف قانونی یا قراردادی را جرم انگاری می کند. مجازات این جرم، حبس کوتاه مدت و یا جزای نقدی حداکثر دوازده هزار افغانی، یا یکی از این دو مجازات است.

بناءً مسئولیت فردی که مرتکب چنین ترک فعلی می شود، شامل جنبه کیفری است. همانطور که ماده مذکور بیان می کند، فرد به مجازات حبس و یا جزای نقدی محکوم خواهد شد. شدت مجازات به میزان اهمال و عواقب ناشی از ترک فعل بستگی دارد.

مسئولیت کیفری ترک فعل در پرتو ماده ۴۵۶ کد جزای افغانستان که مقرر می دارد:

(۱) شخصی که مهر محل، اوراق یا اجناس را که به امر یکی از ادارات دولتی بمنظور حفاظت یا ممانعت از فعالیت و استفاده مهر شده باشد، از بین ببرد، به جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار افغانی، محکوم می گردد.

(۲) هرگاه مرتکب جرم مندرج فقره (۱) این ماده محافظ مربوطه باشد، به حبس قصیر، محکوم می گردد.

(۳) هرگاه محل، اوراق یا اجناس مندرج فقره (۱) این ماده به امر محکمه مهر شده باشد، مرتکب به حد اکثر حبس قصیر محکوم می گردد.

(۴) هرگاه جرم مندرج فقره (۱) این ماده به اثر اهمال محافظ مربوط صورت گرفته باشد، محافظ متذکره به جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار افغانی، محکوم می گردد.

ماده ۴۵۷: در مورد شکستادن مهر توسط شخص محکوم یا متهم به جنایت مقرر می دارد: هرگاه جرم مندرج ماده ۴۵۶ این قانون توسط شخصی ارتکاب یابد که در جنایت، محکوم علیه یا متهم قرار گرفته باشد، مرتکب به حبس متوسط و محافظی که به اثر اهمال او مهر محو یا شکستاده شده، به حد اکثر حبس قصیر، محکوم می گردد.

مواد ۴۵۶ و ۴۵۷ کد جزای افغانستان به مجازات تخریب مهرهایی که برای حفاظت از اماکن، اوراق یا اجناس توسط ادارات دولتی یا محاکم نصب شده اند، می پردازد. ما به صورت تحلیلی، مجازات های مرتبط با ترک فعل و نقض قانون در این دو ماده را بررسی می کنیم.

ماده ۴۵۶ چهار حالت مختلف را در نظر می گیرد: **حالت اول**، تخریب مهر توسط شخص عادی، با مجازات جزای نقدی ۱۰ تا ۳۰ هزار افغانی همراه است. **حالت دوم**، اگر مرتکب جرم، محافظ مربوطه باشد، به حبس قصیر محکوم می شود. **حالت سوم**، در صورت مهر شدن محل توسط محکمه، مجازات حداکثر حبس قصیر است. **حالت چهارم**، در صورت وقوع جرم به دلیل اهمال محافظ، مجازات جزای نقدی ۱۰ تا ۳۰ هزار افغانی برای محافظ در نظر گرفته شده است.

ماده ۴۵۷ نیز بر روی تخریب مهر توسط محکوم یا متهم به جنایت تمرکز دارد. در این حالت، مرتکب به حبس متوسط و محافظ (در صورت اهمال) به حداکثر حبس قصیر محکوم می شود.

در مجموع، این دو ماده مجازات های متفاوتی را برای تخریب مهر، بسته به عامل ارتکاب جرم و نهاد مهر کننده، پیش بینی می کنند. ترک فعل یا اهمال از سوی محافظ، باعث مسئولیت کیفری وی، شامل پرداخت جزای نقدی یا تحمل حبس می شود. همچنین، شدت مجازات برای کسانی که به طور عمدی مهر را تخریب می کنند، نسبت به کسانی که به دلیل اهمال در وظیفه موجب تخریب آن می شوند، بیشتر است. در نهایت، مجازات برای محکومین و متهمان به جنایت که مرتکب تخریب مهر شوند، سخت تر و سنگین تر در نظر گرفته شده است.

بنابراین، قانونگذار با تدوین این دو ماده، به طور مشخص به مسئولیت کیفری افراد در



ارتباط با تخریب مهر و حفاظت از اموال و اطلاعات مرتبط با آن توجه ویژه داشته است. ماده ۴۵۶ قانون کدجزا، مجازات کیفری مشخصی را برای تخریب مهرهای دولتی در نظر گرفته است. این ماده، بر اهمیت حفظ و حراست از اموال و اوراق دولتی مهر شده تاکید دارد و هرگونه اقدام به از بین بردن این مهرها را جرم تلقی می کند. نمونه های دیگری از مصادیق این نوع جرم ترک فعل در قانون وجود دارد که برای رعایت اختصار، از ذکر آنها خودداری می شود.

## ۲. جرم فعل ناشی از ترک فعل

### الف) در فقه

جرائم معمولاً با فعل مثبت تحقق پیدا می کنند؛ مانند سرقت، کلاه برداری، زنا، خیانت در امانت و...، ولی برخی از جرائم، هم با فعل ایجابی به وقوع می پیوندند و هم با ترك فعل؛ نظیر قتل و سایر اشکال صدمات جسمانی

در صورتی که این گونه جرائم با ترك فعل واقع شود، به آن جرم ترك فعل دارای نتیجه و یا جرم فعل ناشی از ترك فعل می گویند. در تعریف آن می توان گفت: «عبارت است از امتناع مجرم از انجام فعل واجبی که منجر به نتیجه مجرمانه گردد.» (حسنی، ص ۳۱۱) موارد ذیل، از جمله جرایمی هستند که در این دسته از جرائم قرار می گیرند: خودداری مادر از شیر دادن به نوزادش یا امتناع از بستن بند ناف او در هنگام تولد در صورتی که منجر به مرگ نوزاد شود؛ خودداری پرستار از دادن دارو و تزریق آمپول که موجب مرگ بیمار گردد؛ امتناع زندانبان از دادن آب و غذا به زندانیان که باعث مرگ آنها شود؛ خودداری سوزن بان از تنظیم خطوط قطار که منجر به تصادف و مرگ عده ای از مسافران شود؛ امتناع مربی شنا از نجات شاگردش که در حال غرق شدن است؛ و خودداری راهنمای نابینا از هشدار دادن نسبت به خطری که منجر به مرگ یا جراحت وی گردد. عنصر مادی این جرم، متشکل از سه چیز است: امتناع و خودداری مجرم، نتیجه مجرمانه، و رابطه سببیت میان امتناع و نتیجه.

فقها و حقوق دانان در امکان و وقوع نوع اول از جرم ترك فعل، یعنی جرم ترك فعل محض

بدون نتیجه، اختلاف ندارند؛ چراکه هم عنصر قانونی مشخص (نص و تصریح قانونگذار بر جرم‌انگاری ترك فعل معین) دارد و هم عنصر مادی آن مورد بحث و مناقشه قرار نگرفته است؛ چون نفس امتناع جرم است و دارای نتیجه مجرمانه نیست تا اشکال شود: ترك فعل که امر عدمی است، چگونه ممکن است سبب ایجاد امر وجودی گردد. اختلاف و مناقشه آنان تنها در نوع دوم است که آیا دارای عنصر مادی و قانونی است یا خیر؟

بسیاری از فقهای امامیه و اهل سنت در این مورد به مثال حبس شخص و منع وی از آب و غذا اشاره کرده و شخص حبس کننده را قاتل دانسته اند (نجفی، ج ۴۱، ص ۱۱۹ و صادقی، ۱۳۹۳ هـ، ص ۳۳)، بدهی است که عمدی یا غیر عمدی بودن چنین قتلی بستگی به نیت حبس کننده دارد که به بحث عنصر روانی مربوط می‌شود. در این مورد در تحریر الوسیله بدون اشاره به موضوع حبس مقتول، به منع کردن او از طعام یا شراب در مدتی که اشخاص مانند او نوعاً در آن مدت زنده نمی‌مانند اشاره شده و چنین قتلی، حتی بدون برخورداری قاتل از قصد قتل، عمدی دانسته شده است. (خمینی، ۱۳۶۶ هـ، ج ۳، ص ۱۵)؛ بدهی است عمدی محسوب شدن این عمل بر اساس نظر مشهور فقها است، (میر محمد صادقی، ۱۳۹۳، ص ۳۳)، موارد مثل ضامن بودن صاحب بنا در قبال تلف ناشی از ریزش آن به دلیل عدم تعمیر و اصلاح بنا، علی‌رغم تمکن بر اصلاح و جلوگیری از آسیب، (شهید ثانی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۱۵۱ و قانون مجازات ایران، ماده، ۵۱۹)، مسئولیت صاحب حیوان به دلیل عدم نگهداری و حراست از آن در قبال تلف یا خسارت وارده از سوی حیوان، (حسینی عالمی، ج ۱۰، ص ۳۴۳، به نقل از صادقی، ۱۳۹۳، ج ۱۷، ص ۳۴) مسئولیت ولی طفل یا مربی شنا در قبال غرق شدن اطفالی که برای آموزش شنا به وی سپرده شده اند، و نظایر آنها، هم در کتب فقهی مورد اشاره قرار گرفته اند.

یکی از فقهای معاصر نیز در پاسخ به استفتایی در مورد چگونگی مسئولیت دیده‌بان، در قبال مرگ کارگر معدن در نتیجه اصابت سنگ مرقوم داشته است، «در فرض مسأله اگر دیده‌بان در اعلام خطر کوتاهی نکرده باشد کسی ضامن نیست، و چنانچه شرکا با اعتماد بر دیده‌بان و تعهدی که در نگهداری داده است مشغول کار شده اند و او در نگهداری خود تقصیر کرده او ضامن است.» (گل‌پایگانی، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۲۸۹) و نظیر این مورد یکی از مراجع معاصر در مورد مسئولیت

طیب یا نجات غریق اظهار می‌دارد «چنانچه طیب و یا نجات غریق تعهدی برای مداوی مریض و نجات شناگر داشته باشند، که مریض یا شناگر یا اولیای آنها با اعتماد به این تعهد به آن در مانگاه و طیب مراجعه یا مشغول شنا شده باشند و در صورتی که راه نجات در آن زمان منحصر به درمان طیب و اقدام نجات غریق باشد و طیب و نجات غریق با اطلاع و تمکن اقدام نکنند و مریض و شنا گرفت فوت کنند، این دو ضامن هستند» (موسوی اردبیلی، ش ۲۶ سال سوم، ۱۳۹۰ ص ۲۸).

### ب) در کد جزای افغانستان

در کد جزای افغانستان، جرم ناشی از ترک فعلی که در ماده (۴۶۳) آن، صوت گرفته است، بخاطر عدم اتخاذ تدابیر محافظتی از سوی مأموران مربوطه است. این عدم اقدام می‌تواند متأثر از غفلت یا اهمال باشد و عواقب خطرناکی برای شهود و اطلاع‌دهندگان به همراه داشته باشد. لذا این ماده (۴۶۳) در صورت عدم اتخاذ تدابیر محافظتی از سوی مأموران مربوطه از شهود یا اطلاع‌دهنده مقرر می‌دارد:

(۱) هرگاه پولیس، موظف امنیت ملی یا سارانوال به اتخاذ تدابیر محافظتی در مورد محافظت شهود و اطلاع‌دهنده جرم، مکلف باشند، در صورت اهمال یا غفلت موظف مربوط، مرتکب به بدیل حبس، محکوم می‌گردد.

(۲) هرگاه عمل مندرج فقره (۱) این ماده ناشی از غفلت یا اهمال موظف باشد و منجر به معلولیت یا قتل شاهد، اطلاع‌دهنده یا اقارب آنها گردد، مرتکب به حبس متوسط، محکوم می‌گردد.

(۳) در صورتی که عدم محافظت شهود یا اطلاع‌دهنده عمدی باشد با نظر داشت احوال، مرتکب به حیث شریک یا معاون جرم شناخته می‌شود.

هدف از این ماده ۴۶۳، تأمین امنیت و محافظت از شهود و اطلاع‌دهندگان جرم است. این ماده به وضوح بیان می‌کند که مسئولیت محافظت از این افراد بر عهده نهادهای مربوطه از جمله پولیس، موظف امنیت ملی و سارانوال است. در صورت اهمال یا غفلت از سوی این نهادها، مرتکب باید با مجازات‌هایی مواجه شود که شامل بدیل در موارد عادی و حبس متوسط در صورتی که این غفلت منجر به معلولیت یا قتل شود، می‌باشد.

با توجه به این توضیحات، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که این ماده قانونی به دنبال ایجاد امنیت و اعتماد برای شهود و اطلاعات‌دهندگان است و با تعیین مجازات‌های مشخص برای مسئولین، به حفظ عدالت و حقوق انسانی کمک می‌کند. این روند نه تنها موجب حمایت از بی‌گناهان می‌شود بلکه بر اهمیت حفاظت از عدالت قانونی نیز تأکید دارد.

عدم جلوگیری از ارتکاب جرم ناشی از ترك فعل در ماده ۶۶۱ کد جزای افغانستان که در این ماده نیز مقرر می‌دارد:

هرگاه منسوب نیروهای نظامی که از ارتکاب جرم بچه بازی توسط اشخاص تحت امر خود آگاهی داشته باشد، از ارتکاب آن قصداً جلوگیری ننماید یا اقدامات لازم را، در حدود صلاحیت خود، برای جلوگیری از ارتکاب آن انجام ندهد، به حد اکثر مجازات حبس قصیر، محکوم می‌گردد.

متن مذکور در مورد ماده ۶۶۱ قوانین کد جزای افغانستان به بررسی مسئولیت قانونی منسوبین نیروهای نظامی در خصوص جرم بچه بازی می‌پردازد. هدف این ماده، تأکید بر مسئولیت شخصی نیروهای نظامی در جلوگیری از ارتکاب جرایم به‌ویژه جرم حساس و مهم کودک‌آزاری است. در واقع، قانون‌گذار با وضع این ماده، تلاش دارد تا ضامن امنیت و سلامت کودکان باشد و با تعیین مجازات برای متخلفان، از وقوع چنین جرایمی پیشگیری کند.

در این ماده، ترك فعل به وضوح مشهود است. ترك فعل به معنای عدم اقدام لازم در مواجهه با وقوع جرم است. چنانچه منسوب نیروهای نظامی از ارتکاب جرم آگاه بوده و باوجود این، نسبت به جلوگیری از آن اقدامی صورت ندهد، به ترك فعل متهم خواهد شد. در واقع، قانون بر این اصل تأکید دارد که عدم اقدام فعال در شرایطی که وظیفه و مسئولیت اخلاقی و قانونی حضور دارد، قابل قبول نیست و شخص را به دلیل سهل‌انگاری و بی‌توجهی مجرم می‌شمارد.

در صورت اثبات ترك فعل، مجازات تعیین شده برای فرد مرتکب، حبس قصیر خواهد بود. این مجازات حاکی از آن است که قانون بر اهمیت مسئولیت‌پذیری و فعال بودن در برابر جرایم تأکید دارد و این امر نشان‌دهنده گام‌های جدی قانون‌گذار در راستای حمایت از حقوق کودکان و جلوگیری از تعرض به ایشان است.

در نتیجه گیری این است که ماده ۶۶۱ نه تنها بر مسئولیت مستقیم نیروهای نظامی در قبال جرایم کودکان تأکید می کند، بلکه با مجازات حبس، پیام روشنی درباره الزامات قانونی و اخلاقی برای تمامی افراد جامعه ارسال می کند. این ماده به عنوان یک ابزار قانونی، نقش مهمی در ایجاد آگاهی و الزام به اقدام پیشگیرانه در مقابل جرایم علیه کودکان ایفا می کند.<sup>۷</sup>

## نتیجه

مطالعه حاضر، با بررسی انواع ترک درمان از دیدگاه فقه اهل بیت (علیهم السلام) و فقه حنفی حقوق افغانستان، به تبیین مسئولیت جانی و پزشکی و کادر درمانی پرداخته است. نتایج نشان می دهد که فقه اهل بیت (علیهم السلام)، بر اساس اصول احتیاط و حفظ جان انسان، ترک بر درمان را در مواردی که منجر به ضرر جانی و یا بیمار شود، ممنوع دانسته و پزشک و کادر درمانی را مسئول ضامن عواقب ایجاد جانیات آن، می داند. این مسئولیت، با توجه به میزان قصور و غفلت متفاوت بوده و می تواند شامل پرداخت دیه، قصاص یا حتی تعزیر باشد.

نتیجتاً یافته های این تحقیق نشان می دهند که مشهور فقهاء اهل بیت (علیهم السلام) بر این باورند که جانی مسئولیت فوت مجنی علیه را بر عهده دارد، حتی اگر مجنی علیه قادر به درمان خود باشد و اقدام به درمان خود نکند. این نظر به وضوح از تفاسیر آنان در متون فقهی برداشت می شود و معطوف به این نگاه است که ترک مداوا و سرایت جراحت هردو باعث افزایش مسئولیت کیفری جانی و پزشک می گردد.

اما فقه حنفی تارک فعل را مسئول نمی داند ولی حقوق موضوعه افغانستان، ضمن تأکید بر اهمیت حق حیات و سلامت افراد، ترك فعل را چه بر مبنای قرارداد و یا وظیفه صورت گرفته باشد دارای مسئولیت مدنی و کیفری می داند و مقررات جزایی ای را در نظر گرفته است.

در مجموع، هر دو نظام فقهی و حقوقی مورد بررسی، بر مسئولیت سنگین کیفری تارک درمان، تأکید دارند و این مسئولیت آن ها را مستلزم رعایت دقیق استانداردهای حرفه ای پزشکی، با توجه به وضعیت بیمار می دانند و عدم رعایت این موارد می تواند عواقب حقوقی و شرعی جدی برای جانی و پزشکان و کادر درمانی در پی داشته باشد.

## پی‌نوشت‌ها

۱. «العلم علما علم الابدان و علم الاديان».
۲. «من تطيب و لم يكن بالطب معروفاً فأصاب نفساً فمادونها فهو ضامن».
۳. «لو حصل السبب و قدر المقصود على دفعه، فإن كان السبب مهلكاً و الدفع غير موثوق به، فالتقصاص على فاعل السبب»
۴. (و الثانية: أن يجرحه فيترك مداواة جرحه إلى أن مات، و هنا لا إشكال في الضمان و ثبوت القود، و إن كانت المداواة ممكنة)
۵. تحلیل نگارنده.
۶. تحلیل نگارنده.
۷. تحلیل از نگارنده مقاله

## کتابنامه

- اباذری فومشی، منصور، شرح قانون مجازات اسلامی، قطع وزیری، ۱۳۷۹.
- ابن حجر، هیتمی، الفتاوی الکبری، احمد بن محمد، ناشر، مطبعة عبدالحمید احمد حنفی، قاهره، مصر، بی تا،
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد، المغنی، ناشر مکتبه القاهرة، ۱۳۸۸ه.ق.
- ابن نجیم، زین الدین البحر الرائق شرح کنز الدقائق، ناشر دار الکتب العلمیه بیروت لبنان، ۱۴۱۸ه.ق، ۱۹۹۷م.
- اصفهانى، محمد بن حسن، «فاضل هندی»، کشف اللثام، ناشر، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ اول، ۱۴۱۶ ه.ق.
- الامام ابی القاسم، عبد الکریم بن محمد، شرح الکبیر، دار الکتب العلمیه بیروت لبنان، چ اول ۱۴۱۷ه. ۱۹۹۷م.
- انوری، حسن، فرهنگ سخن، چاپ خانه مهارت، چ اول، زمستان، ۱۳۸۱.
- باهری، محمد و دیگران، نگرشی بر حقوق جزا عمومی، ناشر مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، ۱۳۸۰.
- بهنسی، احمد فتحی، الجرایم فی الفقه الاسلامی، ناشر دار الشرق، بیروت لبنان، چ ششم ۱۹۸۸م.
- حسنی، محمود نجیب، شرح قانون العقوبات القسم العام، ناشر، دارالنهضة العربیة للطبعات والنشر بیروت، ۱۴۰۴ه.ق-۱۹۸۴م.
- حسینی، عالمی، محمد جواد، مفتاح الکرامه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ اول، ۱۴۱۹ه.ق.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، چاپخانه موسسه و انتشارات چاپ دانشگاه تهران بی تا.
- سید علی سیستانی و ناصر مکارم شیرازی، استفتائات قضایی، ویژه نامه قوانین و مقررات شماره ۲۶، سال سوم، مرداد ۱۳۹۰.
- شهید ثانی، شرح لمعه، بیروت، انتشارات دارالمعارف، بی تا.
- صادقی میر محمد، جرایم علیه اشخاص، انتشارات مجد. چاپ ۱۷ سال ۱۳۹۳.
- صالحی، حمیدرضا، مسؤولیت مدنی ناشی از فرایند درمان، ناشر: بنیاد حقوق میزان، چ اول، ۱۳۹۳.

- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامی، ناشر: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، تهران، چ، سوم ۱۳۸۷ ه.ق.
- طوسی، محمد بن حسن، التهذيب، ده جلدی، بی تا.
- عاملی، ترحینی، سید محمد حسین، الزبدة الفقهية فی شرح الروضة البهية، انتشارات، دار الفقه للطباعة و النشر، قم، چ، چهارم، ۱۴۲۷ ه.ق.
- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالك الأفهام، ناشر، مؤسسة المعارف الإسلامية، قم، چ اول، ۱۴۱۳ ه.ق.
- عاملی، شهید ثانی، زین الدین، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية (محشی - کلانتر)، چ اول، ۱۴۱۰ ه.ق.
- عبدالمنعم، محمود عبدالرحمان، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية، ناشر دار الفضيله مصر، سال ۱۳۷۸ ه.ش.
- علامه، حلّی، حسن بن یوسف، تحرير الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامية، چ، اول، ناشر، مؤسسه امام صادق (علیه السلام)، چ جدید، ج ۵، ص ۴۲۳، چ اول، ۱۴۲۰ ه.ق.
- عوده، عبدالقادر، حقوق جنائی اسلام، ج ۱ ص ۱۱۶، ترجمه اکبر غفوری و با تعلیقات سید اسماعیل صدر، چ دوم، ۱۳۷۹.
- فیومی، احمد بن محمد مقرئ، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، ج ۲، ص ۷۴، منشورات دار الرضی، قم - چ، اول، ه.ق.
- قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲.
- الکاسانی، الحنفی، علاء الدین، ابوبکر بن مسعود، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ناشر دار الکتل العلمیه، سال ۱۴۱۶ ه.ق، ۱۹۹۶ م.
- لنکرانی، محمد فاضل، القصاص (تفصیل الاشریعه فی شرح تحریر الوسیله) بی تا.
- محقق اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان، چ، اول، ۱۴۰۳ ق
- محقق حلّی، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ناشر: مؤسسه اسماعیلیان، قم، چ دوم، ۱۴۰۸ ه.ق.
- محمد رضا، گلپایگانی، مجمع المسائل، انتشارات، مؤسسه دارالقرآن الکریم، قم، ۱۳۶۹.
- محمد زکی ابوعامر، قانون العقوبات، القسم العام، ناشر دار المطبوعات الجامعه، ۱۹۹۶ م.



- مدنی تبریزی، یوسف، کتاب القضاء، قم ۱۴۲۶ ق.
- مسوی اردبیلی، عبدالکریم، در استفتائات قضائی، ویژه نامه قوانین و مقررات، معاونت آموزش  
قوة قضائیه، شماره ۲۶ سال سوم، مرداد ۱۳۹۰.
- منتظری، نجف آبادی، حسین علی، استفتاءات مسائل ضمان، نشر قم، دفتر آیت الله العمی  
منتظری، سال ۱۳۷۹ ه.ش.
- موسوی خمینی، سید روح الله، تحری الوسيله، انتشارت دارالعلم، قم، چ دوم ۱۳۶۶.
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، تهران دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم؛ ۱۳۶۷.
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، انتشارات، دار إحياء  
التراث العربی، بیروت، چ، هفتم بی تا.
- نوی، یحیا بن شرف، نهایت المحتاج الی شرح المنهاج فی الفقه علی مذهب الامام  
الشافعی، ناشر، دارالکتب العلمیه، بیروت لبنان، سال ۱۴۲۴ ه.ق، ۲۰۰۳ م.

